



خامه یار: عاشورا چهره منطقه را عوض کرده است  
سارنگ: امام حسین علیه السلام مظهر صلح است  
حسینی: عاشورا جهانی شد چون دولتی نشد  
لاویان: کلیمیان به امام حسین علیه السلام ارادت ویژه دارند



میزگرد بررسی و جوه مختلف  
پیاده روی اربعین  
باحضور دو کارشناس

## سنت عراقی، آیین ایرانی

گزارشی از یک روضه خانگی که  
سه قرن قدمت دارد  
رضا خان هم نتوانست  
این روضه را تعطیل کند

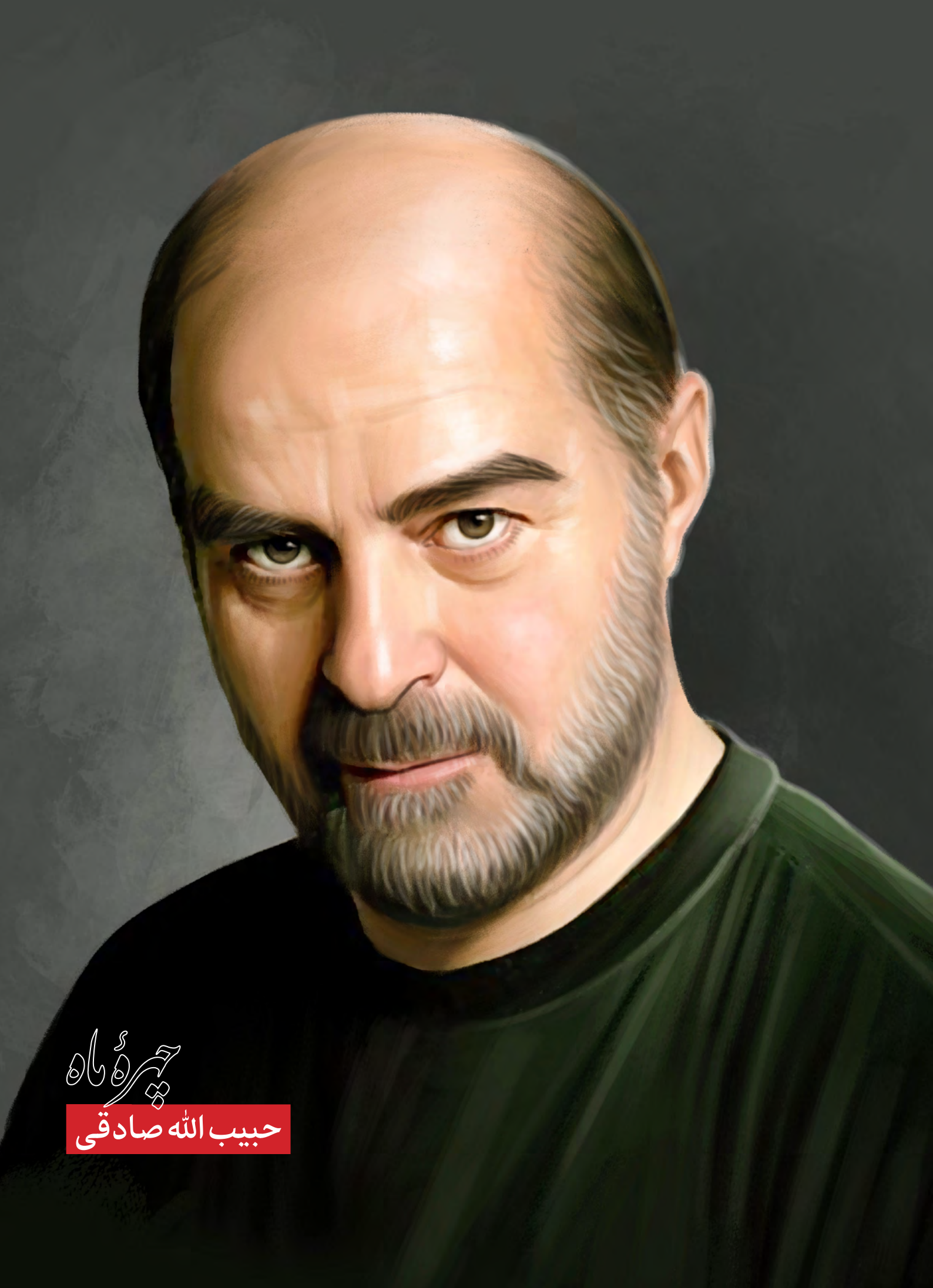
گلایه های سمیه حاجلی، قاری قرآن  
چرا به خانم های قاری  
فرصت نمی دهید؟

سهیل اسعد از عزاداری محرم در آرژانتین می گوید

## گریه کردن بلد نبودیم

با آثار و گفتاری از

سید عبدالله مرتضی عاملی  
علی اکبر مظاهری  
یحیی جهانگیری  
هیلاذه عطالله  
قاسم درزی



چہرہ ماہ

حبیب اللہ صادقی



■ محمد علی رجبی

## تفسیر در محور وفا

محمد علی رجبی دوانی، نقاش و پژوهشگر حوزه فلسفه هنر که از دوستان قدیمی حبیب الله صادقی است به سابقه آشنایی اش با او پیش از زمان پیروزی انقلاب اشاره کرده و می‌گوید: زمانی که ایشان و عده‌ای از دوستانشان نمایشگاهی را در حسینیه ارشاد راه انداختند، من هم اثری داشتم و در آن نمایشگاه شرکت کردم که همین شد سر آغاز دوستی مان.

او ادامه می‌دهد: زمانیکه کانون فرهنگی نهضت اسلامی توسط عده‌ای از اندیشمندان و هنرمندان مسلمان تشکیل شد خانم طاهره صفارزاده از من دعوت کردند که مسوولیت بخش هنرهای تجسمی آنجا را بر عهده بگیرم. من هم از عده‌ای از هنرمندان تجسمی از جمله آقای صادقی دعوت کردم که در این کانون با ما همکاری کنند. ایشان آمدند و در کنار دیگر دوستان فعالیت داشتیم، پس از پیروزی انقلاب هم حوزه اندیشه و هنر اسلامی را راه انداختیم و آقای صادقی یکی از فعال ترین اعضای آنجا بود. بعد از اینکه حوزه هنری زیر نظر سازمان تبلیغات رفت، من به دولت رفتم ولی دوستی ام با ایشان تا آخرین روزهای عمرشان ادامه داشت.

رجبی درباره ویژگی‌های شخصیتی حبیب الله صادقی می‌گوید: عرفا، شرط اصلی ایمان و هویت انسانی افراد را وفا می‌دانند و می‌گویند وفا، نشان صدق افراد است از این منظر ایشان بسیار باوفا بود؛ وفاداری نسبت به اعتقادات

نقاشی که دل در گروی عشق به ابا عبد الله الحسین (ع) داشت

## حبیب هنر عاشورا

زهره لاکهندل

شصت و پنج سال، عمر زیادی برای یک هنرمند نیست حتی اگر بیش از چهل سال از آن را وقف حرفه اش کرده باشد. هنر هنرمند با گذر عمر، پیر و در جامانده نمی‌شود بلکه هر چه می‌گذرد، او در هنر بالنده‌تر و جوان‌تر می‌شود که خاصیت هنر همین است؛ زاینده‌گی و رشد.

حبیب الله صادقی، نقاش و نگارگری که سالهای عمرش از دوران دانشجویی به بعد در مسیر خلق تابلوهای هنری طی شد، هنوز ایده‌های بسیاری در سر داشت که رنگ بوم را به خود ندیدند ولی همراه پیکرش در اولین روزهای مردادماه امسال به خاک سپرده شدند.

زنده یاد صادقی، نقاش پرکاری بود که در طول فعالیت حرفه‌ای اش راه‌های گوناگونی را آزمود. گرفتار سبک نشد، اما همواره زبان شخصی خودش را دنبال کرد، تجربه‌گرا بود و از عینیت تا انتزاع را در هنرش درنوردید، آنجا که لازم بود قصه‌پردازی و روایتگری کرد و در جای دیگر به شکل زیبایی شناسانه در ستایش چیستی و ماهیت نقاشی، خلق اثر کرد. با این همه هیچ وقت گرفتار بازار نشد و همواره به قلب و وجدان، دین و اجتماعش وفادار ماند. مشهورترین نقاشی‌های او متأثر از فضای انقلاب، دفاع مقدس، نهج البلاغه و عاشورا هستند از این روی می‌توان وی را یکی از مهم‌ترین نقاشان مقاومت و هنر انقلاب دانست. کسی که پیش از انقلاب وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و چون در خانواده‌ای مذهبی بزرگ شده بود، عشق به اهل بیت در وجودش ریشه داشت و زمانی که دانشجوی ورودی سال ۵۵ بود و تنها انجمن اسلامی دانشگاهشان با حدود ۱۲ نفر عضو، مختص گروه قلیلی چون او و دوستانش بود نه تنها از اعتقاد آتش برنگشت که محکم‌تر شد، بعد از انقلاب هم در همین مسیر ماند و پایش نلغزید.



تعالی این مجموعه هنری در دوره مدیریت آقای صادقی رقم خورد چون یک هنرمند در جایگاه مدیریت قرار داشت.

یکی از مشکلات ما این است که برای مدیریت مجموعه‌های هنری از کسانی استفاده می‌کنیم که هنر را نمی‌شناسند و در دوران مسوولیتشان با آن رشته هنری آشنا می‌شوند! تا آن مدیر آموزش ببیند دوره مسوولیتش تمام می‌شود و باید صدلی را به مدیر غیر هنری دیگری تحویل دهد از این منظر انتخاب

آقای صادقی در آن مقطع برای مدیریت موزه هنرهای معاصر تهران، انتخاب درستی بود، او را در جای اشتباهی نگذاشتند مثلاً تصدی معاونت سینمایی را به او ندادند. این انتخاب درست و مدیریت جانانه آقای صادقی باعث شد دوران شکوفایی موزه هنرهای معاصر تهران در آن دوره رقم بخورد. به نظر من باید از این تجربه موفق به دفعات یاد کرد تا مسوولان در انتخاب مدیران چنین دقتی داشته باشند.

### با نوای «زینب زینب» نقاشی می‌کشید

یکی از دغدغه‌های مفهومی و مضمونی حبیب‌الله صادقی موضوع عاشورا بود، رجبی با بیان این مطلب درباره اهمیت مؤلفه عاشورا در ذهن این نقاش می‌گوید: ایشان علاوه بر اینکه یک فرد مسلمان و معتقد به معنای واقعی کلمه حزب‌اللهی بود، رگه‌های اعتقادی خانوادگی محکمی هم داشت چون در یک خانواده مذهبی و معتقد به سنت عاشورایی بزرگ شده بود. او به قدری به عاشورا و امام حسین(ع) علاقه داشت که هر زمان از کنار کارگاه نقاشی‌اش عبور می‌کردم می‌دیدم که نواهای عاشورایی را پخش می‌کرد مثلاً به نوای «زینب زینب» مرحوم سلیم مؤذن زاده گوش می‌سپرد و با اشک، قلم روی بوم می‌کشید.

او اضافه می‌کند: گاهی هنرمند با موضوع فاصله دارد و با بُعد درباره آن مضمون کار می‌کند، گاهی هم آن مضمون در وجود هنرمند تبلور دارد و هنرش بیان مکنونات قلبی اوست. ایشان بیان مکنونات قلبی‌اش را روی تابلوی نقاشی داشت، اینطور نبود که موضوعی را سفارشی کار کند، هرگز درباره موضوعات عاشورایی سفارش نمی‌گرفت.

آقای صادقی یکسری تابلوهای نگارگری دارد که تا کنون دیده نشده و موضوع همه آنها درباره عاشورا است. ایشان علاوه بر تابلوهای که قبلاً درباره عاشورا کشیده بود، نذر داشت که هر سال از آغاز محرم تا اربعین، یک تابلوی نگارگری درباره عاشورا بکشد و تابلوهای ارزشمندی را خلق کرد که در نگارگری دارای سبک

دینی خودش، نسبت به انقلاب اسلامی، امام، شهدا و رهبری و نسبت به دوستانش. او همه وجودش را برای این‌ها می‌گذاشت و این ویژگی بارزی در شخصیتش بود. آثار او را در محور وفایی که داشت می‌توان تفسیر کرد.

او درباره دغدغه حرفه‌ای صادقی در عرصه نقاشی هم توضیح می‌دهد: ایشان معتقد بود که باید کار کرد، تجربه کرد و مطالعه کرد. اثر هنری که به نام هنر انقلاب اسلامی گره می‌خورد باید از نظر مضمون و ساختار بسیار شاخص و محکم باشد از این منظر باید بسیار مطالعه و تجربه کرد به همین دلیل حبیب‌الله صادقی دائماً مطالعه و مشق می‌کرد. ایشان به تعالی فکر می‌کرد و می‌گفت وقتی فکر متعالی است، اثر هم از نظر هنری قابلیت عالی برای بیان پیدا می‌کند از این رو آثار ایشان جزو آثار کم نظیر هنر معاصر ایران محسوب می‌شود.

### هنرش در خدمت دین و انقلاب بود

رجبی درباره فعالیت‌های انقلابی حبیب‌الله صادقی در سالهای اولیه پیروزی انقلاب می‌گوید: ایشان قبل از انقلاب، سن کمی داشت و تازه وارد دانشکده هنرهای زیبا شده بود اما تعهد و غیرت دینی‌اش از او شخصیتی ساخته بود که هنرش را در خدمت دین و انقلاب بگیرد به همین دلیل آثار اولیه او هم جز و آثار مهمی در اسناد هنر انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. آقای صادقی بعد از انقلاب، هم در سپاه پاسداران کار کردند و هم در نهادهای انقلابی دیگر. در واقع هر جایی که به نام انقلاب، نیاز بود ایشان اجابت می‌کرد. تمایل ایشان هم فقط به مقصد عالی انقلاب اسلامی و رهنمودهای امام راحل و پس از آن رهبری بود.

این عضو پیوسته فرهنگستان هنر با اشاره به قابلیت‌های مدیریتی صادقی در دوران مسوولیتش به عنوان رئیس موزه هنرهای معاصر تهران، این دوره را یکی از دوره‌های طلایی مدیریتی این مجموعه هنری عنوان کرده و توضیح می‌دهد: دوره شکوفایی و



به نوای «زینب زینب»  
مرحوم سلیم مؤذن زاده گوش می‌سپرد و با اشک، قلم روی بوم می‌کشید

### ■ ماجرای شکل‌گیری نقاشان انقلاب

عبدالحمید قدیریان، نقاش و از دوستان حبیب‌الله صادقی درباره سابقه آشنایی‌اش با این هنرمند فقید می‌گوید: من با ایشان قبل از انقلاب در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران آشنا شدم. به خاطر فعالیت‌های زیاد، ایشان را به عنوان دانشجویی پرکار می‌شناختم که شخصیتش برای من جلب توجه کرد. حبیب‌الله صادقی جزو بچه مسلمان‌های دانشگاه بود، به همین خاطر به سمتش گرایش پیدا کردم. سعی کردم که به او نزدیک شوم تا هم از او یاد بگیرم و هم با دوستی با او، شرایط دانشگاه را برای خودم قابل تحمل کنم.

پیش از انقلاب، در نمایشگاه حسینیه ارشاد ایشان چندین اثر داشتند؛ من هم که سال اولی بودم در برپایی نمایشگاه کمک کردم. بعدها در حوزه هنری، توفیق همکاری با ایشان را پیدا کردم و در کنار دیگر دوستان آثار زیادی درباره انقلاب و جنگ تولید کردیم.

او درباره شکل‌گیری گروه نقاشان انقلاب توضیح می‌دهد: در حوزه هنری تعدادی از جوانان هنرمند که دغدغه انقلاب داشتند گرد هم جمع شدند که بعدها گروهی موسوم به جریان نقاشان انقلاب نامیده شدند. تا آنجایی که به یاد دارم در ابتدا افرادی

همچون حبیب‌الله صادقی، کاظم چلیپا، ناصر پلنگی، حسین خسروجردی و چندین نفر دیگر بودند که به مرور افراد به این جمع اضافه می‌شدند. شکل‌گیری مجموعه‌ای هنری برای پشتیبانی و تولید آثار هنری برای انقلاب، از عمده الزامات تشکیل مجموعه حوزه هنر و اندیشه اسلامی بود که بعدها به دلیلی اجباراً زیر مجموعه سازمان تبلیغات اسلامی شد که اکنون به نام حوزه هنری شناخته می‌شود. در آن دوران هر کسی بنا به ظرفیت و توانایی‌اش تلاش می‌کرد که نقش خودش را در روند استحکام نظام جمهوری اسلامی ایفا کند و همین امر باعث ایجاد وحدت و همگرایی بین مردم و دوستداران نظام انقلاب اسلامی می‌شد.

### ■ نقاشی‌هایی که به جبهه‌ها می‌رفت

قدیریان درباره دستاوردهای جریان نقاشان انقلاب عنوان می‌کند: زمانیکه جنگ تحمیلی شروع شد، گروه هنرمندان انقلاب به صورت سازماندهی در قالب حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، نهادسازی شد. در اوایل انقلاب هنرمندان حوزه هنری، در کنار مردم و حوادثی که هر روز رخ می‌داد بودند و تلاش داشتند تا با تولید آثار، زخم‌های ایجاد شده در جامعه را التیام بخشند و مردم

و سیاق خاصی است.

به گفته این دوست دیرین حبیب‌الله صادقی، او این نذر را از سالها پیش داشت و تعدادی تابلوی نگارگری یا موضوع عاشورا از ایشان به جامانده که هنوز دیده نشده است. او می‌خواست بیشتر روی این پروژه دلی کار کند تا به صورت یک مجموعه جامع از آنها رونمایی کند.

رجبی دوانی تعریف می‌کند: نذر کرده بود تا زنده است، هر محرم تابلویی را با دل خودش کار کند و نتیجه اثری که نسبت قلبی با هنرمند دارد، حتماً ارزشمند است. این نذر شخصی در واقع عزاداری قلبی آن هنرمند است که در اثرش نمود می‌یابد. حبیب‌الله صادقی هم نذر کرده بود تا زمانی که زنده است هر محرم، یک تابلو درباره عاشورا بکشد ولی امسال خودش به محضر ابا عبدالله (ع) رسید.

او درباره سرنوشت این آثار دیده نشده می‌گوید: بنا داریم به مناسبت چهلم ایشان، نمایشگاهی از منتخب آثار ایشان در فرهنگستان هنر برپا کنیم که شامل آثار عاشورایی‌شان هم می‌شود. امیدوارم بتوانیم امسال از دو بخش آثار دیده نشده حبیب‌الله صادقی رونمایی کنیم. یکی آثار نگارگری ایشان درباره عاشورا و دیگری هم رونمایی از نقاشی صد متری ایشان با عنوان «در رثای سیمرغ تجلی» که روایتگری از انقلاب و شهید حاج قاسم سلیمانی است.

### ■ ادای دین به شهید سلیمانی

به گفته این مدرس فلسفه هنر، مرحوم صادقی آرزو داشت که اثر «در رثای سیمرغ تجلی» را قبل از اکران عمومی به محضر مقام معظم رهبری ببرد و به قول خودش در ابتدا از کارش رونمایی ولایی کند و بعد از گرفتن تأیید رهبری، رونمایی عمومی آن را با حضور خانواده شهدا و خانواده شهید سلیمانی داشته باشد. امیدواریم که آرزوی او امسال محقق شود.

رجبی با بیان اینکه تابلوی «در رثای سیمرغ تجلی» ناتمام نمانده بو، تأکید می‌کند: من با ایشان درباره این اثر صحبت‌های زیادی داشتم. قاعده کار هنرمندان این است که در مسیر تکمیل کار، در بجه‌های جدیدی پیش روی‌شان گشوده می‌شود. قلم که روی بوم می‌رود، مسیر روحی با هنرمند همراه می‌شود که به او تعالی می‌بخشد به همین دلیل کار هنرمند هیچ وقت تمام نمی‌شود از همین رو آثار هنرمند زنده را کالبدشکافی نمی‌کنند چون ممکن است دوران مختلفی را تا زمان حیاتش تجربه کند. حبیب‌الله صادقی هم وقتی این کار را شروع کرد هیچ کار دیگری دست نگرفت و با تمام وجود روی این کار، وقت و انرژی گذاشت.

او ادامه می‌دهد: وقتی کار سروشکل گرفت به ما می‌گفت کارم تقریباً تمام شده و دوست دارم که این اثر را خدمت آقا ببرم ولی می‌خواهم بیشتر روی آن کار کنم. او تمام تعلق و جودیش را روی این کار گذاشته بود و راضی‌اش نمی‌کرد. در واقع این کار، تمام شده بود ولی حبیب‌الله صادقی از آن دل نمی‌کند. آنقدر پای این کار ایستاد که جانش را در این راه گذاشت. به نظرم این اثر، تمام شده بود اما اگر آقای صادقی چندین سال دیگر هم عمر می‌کرد باز هم عمرش را پای همین کار می‌گذاشت.



■ عبدالحمید قدیریان

نذر داشت که  
هر سال از آغاز  
محرم تا ربیعین،  
یک تابلوی  
نگارگری درباره  
عاشورا بکشد

احساس نیاز و نزول فرهنگی بیش از حد جامعه باشد، که باعث شده اهل دغدغه در این وضعیت، احساس خطر کرده و وارد میدان شدند تا برای بیرون آوردن ارزش‌های دینی و انقلابی از محاق فراموشی و انزوا، کاری کنند.

### به جای اسلحه، قلم به دست گرفتند

این هنرمند نقاش با اشاره به فعالیت کنونی گروهی از جوانان انقلابی برای طراحی پوستر و نقاشی‌هایی با مضامین معنوی و ارزش‌های انقلابی معتقد است که بازدهی فعالیت آنها نسبت به شرایط محیطی و امکانات اوایل انقلاب در قواره نقاشان اول انقلاب نیست و با ابراز امیدواری از تاثیرگذاری فعالیت‌هایشان در آینده می‌گوید: انقلاب اسلامی ایران، به اراده الهی در یک فضای نورانی و روحانی شکل گرفت و مردم را به سمت نور فرا خواند. البته جوانان کنونی شاید نتوانند آن فضا را درک کنند ولی می‌توان با بیان نمونه‌هایی از حضور نور در جامعه، تا حدی آن دوران را قابل درک نمود مثلاً زمانی که سردار سلیمانی شهید شد، حس عجیبی در سراسر کشور به وجود آمد، حسی که همه مردم از عقاید مختلف را به خیابانها کشاند، گویی نوری جامعه را دربر گرفته بود و این نور، جامعه را به سمت رفتار مشابهی سوق می‌داد.

مردم البته آنهایی که قلب خود را باز کرده بودند در زمان انقلاب و بویژه دفاع مقدس، غرق در این نور بودند به همین دلیل رفتارهایی باور نکردنی را از رزمندگان زمان جنگ می‌شنویم. رزمندگان، چون خودشان را در محضر اهل بیت (ع) حس می‌کردند، به درجاتی از آسمانی شدن رسیده بودند که در رفتارهایشان اثر گذاشته بود. نمونه دیگری که می‌توان از حضور نور الهی در دنیا ذکر کرد، راهپیمایی اربعین است.

به گفته وی، همین نور الهی باعث شد که چند سال پیش و با وجود تحولات وحشیانه داعش در عراق، مردم از سراسر جهان به راهپیمایی اربعین بروند و با وجود اینکه از سوی داعش، تهدید به مرگ شده بودند اما خودشان را به بزرگترین راهپیمایی جهان رساندند و وقتی با کسانی که تجربه حضور در راهپیمایی اربعین را دارند صحبت می‌کنید فقط از زیبایی این سفر می‌گویند.

او ادامه می‌دهد: با این مقدمه خواستم بگویم که نقاشان انقلاب هم در آن فضای نورانی قرار گرفته بودند و چون توانایی انجام کار هنری را داشتند از ظرفیت خودشان در مسیر همان نور بهره بردند، مثل بقیه مردمی که هر کسی متناسب با توانش از آن نور بهره برد. نقاشان انقلاب، بچه بسیجی‌هایی بودند که به جای اسلحه، قلم به دست گرفتند و خودشان را در آن نور رها کردند چون این نور به آنها فضای تفکری و معنوی می‌داد و این در حالی است که بعضی از مردم در برابر این نور مقاومت کردند و از فضای

را برای همراهی با انقلاب تهییج کنند. آثاری که در کنار ایجاد هیجان، سعی در تبیین موقعیت داشت و تلاش داشت تا مفاهیم موجود در دفاع مقدس را در مسیر عاشورا و ارزش‌های آن را تطبیق دهند. آثار تولید شده پس از انتشار بسیار مورد استقبال مردم قرار می‌گرفت. آثار بعد از خلق، بلافاصله چاپ می‌شد و به همه جا از جمله جبهه‌های جنگ تحمیلی می‌رفت و رزمنده‌ها با علاقه این تصاویر را در داخل سنگرها می‌چسباندند و از تماشای آن آثار الهام می‌گرفتند و به حسب آثار، آرمان‌ها و مفاهیم دینی را مرور می‌کردند.

به گفته قدیریان، وقتی اثری دارای مفهوم و مضمون معنوی و فطری باشد، به مخاطب انرژی می‌دهد و آرمان‌های دینی و ارزش‌های الهی را برای او یادآور می‌شود.

این طراح صحنه و کارگردان هنری اضافه می‌کند: در آن دوران نقاشان انقلاب بسیار تاثیرگذار بودند و هیچ سنگر رزمنده‌ای در جبهه نبود که از آثار این نقاشان خالی باشد حتی در سطح شهر، مساجد و بقالی‌ها هم آثارشان دیده می‌شد چرا که مردم با آن آثار ارتباط حسی برقرار می‌کردند. بعد از جنگ تحمیلی، حضور



نقاشان انقلاب خیلی کم‌رنگ شد. از آنجایی که سیاست‌های حاکم بر کشور که توسط مسئولان وقت اجرا می‌شد، باعث شد که مضامین ارزشی و انقلابی با لطایف الحیل کنار گذاشته شوند و به تبع آن آثار هنری مرتبط با ارزش‌های انقلاب به حاشیه رفت اما اخیراً حرکتهای خوبی انجام شده است که دلیل آن می‌تواند

نورانی حاکم تأثیر نگرفتند. به همین دلیل وقتی به کارهای نقاشان انقلاب در سالهای اول انقلاب نگاه می‌کنید حس و حال خاصی را می‌بینید ولی در آثار بعدی آن نقاشان چنین حالی وجود ندارد چون درگیر فرم شدند و حال قدسی اوایل انقلاب در آثار بعدی‌شان کم شد.

### دلداده عاشورا بود

حبیب‌الله صادقی را می‌توان از نقاشان پرکار و دغدغه‌مند در حوزه عاشورا دانست. قدیریان با تأیید این دغدغه‌مند زنده یاد صادقی در به تصویر کشیدن واقعه کربلا در آثارش خاطر نشان می‌کند: هنرمندان انقلاب، تأثیر فرهنگ عاشورا را در برپایی نظام جمهوری اسلامی دیده بودند و در زمان جنگ هم تأثیرات پیام اباعبدالله (ع) را در حرارت بخشیدن به جبهه‌ها شاهد بودند به همین دلیل برایشان مسلم شده بود که اگر قرار است فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه نشر یابد باید متأثر از فرهنگ عاشورا باشند از اینرو همه هنرمندان انقلاب به این موضوع پرداختند البته هر کسی از دریچه نگاه و درک خودش.

قدیریان می‌افزاید: آقای صادقی از کسانی بود که علاوه بر فهم اهمیت فرهنگ عاشورا، از نظر حسی هم به این موضوع دل داده بود. او دل داده عاشورا بود و از نظر عاطفی با شهدای کربلا، ارتباط حسی شدیدی برقرار می‌کرد. هر وقت که حرفی از شهدای کربلا به میان می‌آمد، درباره آن صحبت می‌کرد و اشک می‌ریخت. وقتی آثار ایشان را می‌بینید یک جور شوریدگی در آن دیده می‌شود که البته هر چه از دوران دفاع مقدس فاصله گرفتیم، به نظر می‌آید که این شوریدگی را بیشتر شده است.

این هنرمند نقاش می‌گوید: آثار ایشان در دوران دفاع مقدس، نگاه استدلالی داشت مثل تابلوی هابیل و قابیل ولی هر چه از فضای جنگ عبور کردیم، ایشان بیشتر دلتنگ آن فضا و شور و حال آن دوره را داشت به طوری که آثارش پر از رنگ و فرم‌های در هم تنیده شده بود، این ظواهر نشان از شوریدگی‌اش داشت. گاهی این شوریدگی چنان زیاد بود که حس می‌کردید اثر بدون ساختار است گویی فرم‌ها روی هم تلنبار شده است، علت اصلی‌اش جوشش درونی حس و حال هنرمند بود که به نقاش اجازه قرار گرفتن در ساختار و فرم را نمی‌داد.

دریافت قدیریان از آثار عاشورایی حبیب‌الله صادقی، حس شوریدگی است و توضیح می‌دهد: در این آثار هنرمند تلاش می‌کند حسی که به اهل بیت (ع) دارد را نشان دهد و به این حب و عشق افتخار می‌کند، در واقع تلاش می‌کند دیگران را با زیبایی همراهی و رفاقت با اهل بیت (ع) آشنا کند.

به باور وی، در آثار عاشورایی صادقی، امام حسین (ع) و یارانش در موضع قدرت بودند و فرامتنی که در این آثار می‌بینیم نشان از ابهت و قدرت شهدای کربلا دارد، او عنوان می‌کند: یکی از دلایل شوریدگی در آثار صادقی این است که توجه کمتری به وجوه سیاسی و تاریخی آن اتفاق داشت بلکه بیشتر به حال قدسی و نورانی واقعه عاشورا توجه می‌کرد به همین دلیل عاشوراییان از

نگاه او در موضع قدرت و پیروزی هستند. وقتی به شخصیت‌های تابلوهای عاشورایی این نقاش نگاه می‌کنید آنها را سرشار از نور و رنگ می‌بینید. بچه‌های انقلاب فرهنگ عاشورا را به معنای فرهنگ اتصالی به منجی می‌دانند و از این منظر پیروزی نهایی را از آن جبهه حق می‌دانند. آثار حبیب‌الله صادقی، سمبلیک بود، او از نمادها استفاده می‌کرد تا شخصیت‌های عاشورایی را از عالم ماده و دنیا جدا کند که این مهم در رنگ و فرم آثارش نمود دارد.

### ایستاده پای غیرت دینی و انقلابی

از چه زمانی عاشورا به وجه غالب آثار حبیب‌الله صادقی بدل شد؟ قدیریان پاسخ می‌دهد: اصلاً هنرمند مسلمان شیعه با عاشورا شروع می‌کند، رشد می‌کند و به انتها می‌رسد. ممکن است در اوایل کار، نگاه هنرمند سطحی باشد ولی با عاشورا شروع می‌کند و مهمترین فضایی که می‌تواند با آن ارتباط برقرار کند، عاشورا است. بسیاری از ما خاطرات زیادی از مراسم‌های عزاداری اباعبدالله در کودکی مان داریم. کم‌کم که بزرگ می‌شویم لایه‌های دیگری از این واقعه را فهم می‌کنیم و با عاشورا بزرگ می‌شویم.

هنرمند مسلمان در همه ادوار هنری‌اش دوست دارد تا عاشورا را تصویر کند و حتماً حبیب‌الله صادقی هم همین حس را داشته و

حتماً قبل از انقلاب و در آغاز شروع کارش، اثری در این باره باید کشیده باشد اما هنرمند هر چه زمان می‌گذرد رشد کرده و لایه‌های فهمی او تغییر می‌کند. همه هنرمندان مسلمان چنین آرزویی دارند که درباره عاشورا، اثری خاص و ماندگار خلق کنند چون باور دارند که توشه‌ای برای آخرتشان است. ضمن اینکه عاشورا چنان ابعاد وسیعی دارد که هر چه برایش کار شود، کم است.

طراح صحنه فیلم‌هایی همچون «ملک سلیمان» و «مریم مقدس» درباره ویژگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای صادقی می‌گوید: مهم‌ترین چیزی که برای من در آقای صادقی جلب توجه می‌کرد، شور و حرارت درونی‌شان بود چه زمانیکه درباره هنر و تابلوهایش حرف می‌زد و چه زمانیکه درباره مسائل مذهبی سخن می‌گفت، بسیار با شور و حرارت درونی حرف می‌زد که همین ویژگی باعث شده بود ارتباط دیگران با او آسان شود، این ویژگی ارتباطی او باعث می‌شد تا میان اطرافیانش همگرایی ایجاد کند. از نظر آموزشی هم بسیار معلم خوب و توانمندی بود، من خیلی چیزها از او یاد گرفتم چون به انتقال تجربه اهمیت می‌داد.



■ مرحوم صادقی در کنار استاد محمود فرشچیان

علاوه بر فهم اهمیت فرهنگ عاشورا، از نظر حسی هم به این موضوع دل داده بود